

## بعثت رسول اکرم

لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم  
يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وان كانوا  
من قبل لفي ضلال مبين . (سورة آل عمران ، آیه ۱۶۴)

خداوند براهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان  
در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات خداوند را تلاوت کند و  
نفوسشان را از هر نقص و آلائش پاک گرداند و بآنها احکام شریعت  
و حقایق حکمت بیاموزد هر چند از آن پیش گمراهی ، یشان آشکار بود  
(منتخب التفاسیر قمشه‌ای)

پروردگار مهربان از بدو آفرینش بشر عده‌ای از برگزیدگان را برای راهنمایی  
قافلهٔ انسانیت بر خلق مبعوث فرموده است که در توالی روزگاران رهبری اقوام را عهده  
دار بوده‌اند . منتهی حکمای الهی بعثت انبیاء را لازمهٔ مدنیت انسان می‌دانند و متکلمین  
ارسال رسل را بمقتضای قاعدهٔ لطف ، واجب عقلی می‌شمارند . و عرفاء غرض حقیقی از فرستادن  
پیغمبران رسل هدایت انسان در سلوک اسفار اربعهٔ کمالیه دانسته‌اند (۱) .

سخن در پیرامون اصل بعثت (که از آن به نبوت عامه تعبیر می‌شود) و طرقتی که  
در اثبات آن آمده ، بحثی جداگانه دارد که از حوصلهٔ این مقال خارج است و ماسابقاً  
طی مقاله‌ای بمناسبت عیدمبعث سال ۱۳۸۱ در آن زمینه در همین گرامی نامه بحثی هستوفی  
آوردیم (۲) .

روشن‌ترین دلیل شایستگی بعثت انبیاء احتیاج بشر براهنمایان است که خداوند حکیم  
چون دیگر مایحتاج انسان ویرا از این موهبت بهره‌مند ساخته و چنانکه خود فرموده است  
هیچ امتی را بدون منذر نگذارده است : ولقد بعثنا فی کل امة رسولا ان عبدوا الله واجتنبوا  
الطاغوت (سوره نحل) . همانا در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم تا بخلق ابلاغ کند که  
خدای یکتا را بپرستید و از بت‌ها و مطلق‌بدیها دوری کنید ،

۱- رگ شرح مواقف . گوهر مراد

۲- نامهٔ آستان قدس شمارهٔ ۱۰

علی (ع) در این باره فرماید : بعثت فیهم رسله و واترالیهم انبیائهم ... ولم یخل سبحانه خلقه من نبی مرسل او کتاب منزل او حجة لازمة او حجة قائمة (۳) «خداوند منان پیامبران را در میان مردم برانگیخت و پیامی برایشان رسولان فرستاد و در هیچ زمان بندگانش را از نعمت پیغمبر مرسل یا کتاب آسمانی یا حجت و راهنما محروم نساخت»

امام صادق (ع) میفرماید انالما اثبتنا ان لنا خالقاً متعالیاً عنا وعن جمیع ما خلق وكان ذلك الصانع حکیماً متعالیاً ... ثبت ان له سفراء الی خلقه . ثم ثبت ذلك فی کل دهر و زمان مما اتت به الرسل والانبیاء من الدلائل والبراهین لکیلا یخلوا راض الله من حجة ینکون معه علم یدل علی صدق مقالته و جواز عدالته : هنگامی که ثابت شد برای بشر خالق و صانعی است که از تماس مستقیم با آنان منزّه و متعالی است بناچار ویرا فرستادگانی است که در هر دور و زمان ، ارشاد خلق را بدلیل و برهان عهده دار بوده اند تا زمین خالی از حجت نباشد ، آن حجتی که علم وی ، دلیل راستی گفتار و اعتدال وجودی یا عدالت او است ، (اصول کافی)

در اینجا نکته‌ای شایسته ذکر است که از آیه مطلع سخن مستفاد می‌گردد که بعثت انبیاء بر خداوند لازم نیست و ارسال رسولان از جانب حضرتش جنبه امتنان داشته و صرف افضال و موهبتی از حق است و این همان مقالی است که بر اهله و وصائش بر آنند (رک شرح مواقف میرسید شریف جرجانی) چه داوری خرد را در سلوک طریق شایسته، کافی می‌دانند پاسخ این پندار که بظاهر بر خلاف مفاد روایت شریفه و سخن حکما و متکلمین میباشد اینست که مگر دیگر نعمتهای خدای منان که به بشر ارزانی داشته ، جنبه امتنان ندارد ؟ مگر ایجاد بشر و سایر پدیده‌های آفرینش بر خدا لازم بوده و بتعبیر دیگر خداوند در ایجاد ممکنات مجبور بوده است ؟ مسلماً خیر .

و این سخن باقیاضیت حضرتش منافاتی ندارد . چه به اصطلاح متکلمین ، حق تعالی فاعل مختار است نه «موجب» .

لذا پیغمبران نیز چون دیگر موهبتهای الهی برای موجودیت بشر و سازمان مدینه فاضله بشریت ، لازمند .

امیل در منگام « دانشمند انگلیسی » می‌گوید پیغمبران برای دنیا همان قدر ضروری هستند که نیروهای سودبخش و وحشت آور طبیعت ، مثل خورشید ، باران ، طوفانهای زمستان ، که زمینهای خشک و بی حاصل را تکان و شکاف می‌دهند تا از سبزی و خرمن پوشیده شود . عظمت و حقانیت چنین حوادث را باید از روی نتایج آنها قضاوت کرد : استعدادهایی

که مطمئن و محکم شده‌اند ، دل‌هایی که آرامش یافته‌اند ، اراده‌هایی که قوت گرفته‌اند  
اضطرابهایی که فرونشسته‌اند ، بیمارهای اخلاقی که شفا یافته‌اند ، و بالاخره نیایشهایی که با آسمان  
صفا یافته برخاسته‌اند ، ( ۴ )

آری احتیاج جوامع بشری طی قرون گذشته برانگیزی پیغمبران مطلبی است که از  
مراجعه بتاریخ امم سالفه بخوبی روشن میگردد  
قصص قران ، نیز تصریحاً و تلویحاً وضع ناهنجار بشر را در ادوار پیشین ( هنگام  
بعثت انبیاء ) بیان می‌سازد .

در مورد بعثت رسول اکرم نیز همین وضع آشفتگی و تباهی اخلاق و فضیلت ، در  
توده‌های آنزمان امری انکار ناپذیر است . سدیو در خلاصه تاریخ عرب وضع مردم کلیه  
قاره‌های زمین را ( که از لحاظ اخلاقی و اجتماعی برهبری پیامبر احتیاج شدید داشتند )  
بتفصیل بیان کرده و علامه فرید وجدی تمامی این بخش را ( که سندی از بیگانه در این  
مورد است ) در دائرةالمعارف خویش آورده است ( ۵ ) .

روشن شدن وضع جزیره العرب و امتی که پیغمبر در میان آنان ابلاغ رسالت فرمود  
و این کار را بشهادت تاریخ بوجه احسن انجام داد ، غرض ما را که اثبات احتیاج امت برهبری  
حضرت محمد ( ص ) است تثبیت می‌کند .

وضع جزیره العرب و مردمان زمان بعثت را به تفصیل در کتابهای تاریخ عرب قبل از  
اسلام چون تاریخ عرب دکتر جواد علی و تاریخ عرب جرجی زیدان و تاریخ عرب فیلیپ  
حتی و تاریخ عرب گوستا و لیبون می‌توان دید و چون دو کتاب اخیر به فارسی نیز ترجمه شده  
است ما را از تکرار داستان بر بریت این قوم بی‌نیاز می‌سازد ولی اجمال آن : آنهم از  
زبان کسی که خود شاهد و ناظر اوضاع آشفته و نابسامان عرب بوده و تحول شکر فیه بعثت  
رسول اکرم را بچشم خویش مشاهده فرموده است مناسب بنظر میرسد . این مرد علی ( ع ) است  
که خوشبختانه مجموعه‌ای از سخنان وی بنام نهج البلاغه در دست ماست .

### وضع مردم هنگام بعثت رسول اکرم

ابتعثه والناس یضربون فی غمرة و یموجون فی حیرة و قد قادتهم از مة الحین واستغفلت  
عن اقدتہم افعال الرین ( نهج البلاغه ) .

خداوند محمد را در زمانی که مردم

۴- مسئله وحی

۵- رك دائرةالمعارف قرن عشرين ، مادة بعث

... بعث الله سبحانه محمداً رسولاً لانجاز عدته و تمام نبوته مأخوذاً علی النبیین  
میثاقه مشهوره سماته کریماً میلاده و اهل الارض یومئذ ملل متفرقه و اهواء منتشره و طرائق  
متشقة بین مشتمبه لله بخلقه او ملحد فی اسمه او مشیر الی غیره فهداهم به من الضلالة و انقذهم  
بمکانه من الجهالة ... (نهج ، خطبة ۱)

خداوند منان حضرت محمد را برسالت خویش برانگیخت تا وعده خود را انجام دهد  
و پیامبری را بوجود وی تمام نماید در حالیکه از پیغمبران سلف پیمان بر بشارت رسالت وی  
گرفته بود و آن حضرت بصفتی که شایسته پیامبرانست مشهور مردم بود این میلاد گرامی  
در زمانی بوجود آمد که مردم دارای مذهبهای متشقت و بدعتهای ناشایست و رویه های مخالف  
هم بودند. گروهی آفریدگار را بمخلوقات تشبیه می کردند و بعضی نام ویرا منکر بودند  
و عنوان خدائی را به بتهای خویش منتسب می ساختند و جمعی بغیر او اشاره می کردند و طبیعت  
را مؤثر می دانستند لذا خداوند بوسیله وی مردم را از گمراهی رهایی دارد و بسبب شخصیت  
حضرتش توده نادان را از ظلمت جهل بیرون آورد .

در خطبه دیگر فرماید... ارسله بالدين المشهور والعلم الماثور والكتاب المسطور  
والناس فی فتن انجذم فیها حبل الدین و تزعزت سوارى الیقین و اختلف النجر و تشمت الامر  
وضاق المخرج و عمى المصدر فالهدى خامل و العمى شامل عصی الرحمن و نصر الشیطان و خذل  
الایمان فانهارت دعائمہ و تنكرت معاملته و درست سبله و عفت شر که اطاعوا الشیطان فسلکوا  
مسالکة ووردوا مناهله ... فی فتن داستهم باخفافها و وطئهم باظلافها و قامت علی سنا بکها فهم  
فیها تائهون حائرون جاهلون مفتونون فی خیردار و شر جیران نومهم سهاد و کحلهم دموع  
بارض عالمها ملجم و جاهلها مکرم ...

خداوند محمد را بادینی که شهرت یافت و بانشانه و معجزه های که از او بظهور رسید  
و باکتایی که در او احکام خدائی ثبت است ، فرستاد در حالیکه مردم بفتنه های که ریمان  
دین از آن پاره می شد مبتلا بودند و ستونهای ایمان و یقین متزلزل بود اصل دین مختلف  
و کار احکامش درهم و برهم بود راه خروج از فتنه دشوار و وسیله هدایت تاریک گردیده بود  
رهنمائی از بین رفته و گمراهی شیوع یافته بود نافرمانی خدا و اطاعت از شیطان می شد  
ایمان خوار و پایه های آن ویران شده بود آثار دین مشهود نبود و راه وصول بآن خراب  
گردیده و مخفی شده بود مردم پیروی شیطان نموده براهای اهریمنی می رفتند و بسر چشمه  
تباهی رسیده بودند ... چنان مردم در فتنه ها وارد شده بودند که خود بخود پایمال عواقب  
آن می گردیدند و همگی در آن سرگردان و حیران مانده در تاریکی جهل بسر می بردند و  
گرفتار بلاها شده بودند در حالی که در بهترین اماکن می زیستند ببدتدین همسایه ها مبتلا

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام  
على سيدنا محمد  
والآله الطيبين  
الطاهرين  
السلامة  
والسلامة  
والسلامة

بودند بطوری که خوابشان بیخوابی و سرمه چشمشان اشک ریزان بود در سر زمینی که دانا یا نشان مهر سکوت بر لب زده و سفیاء ارجمند بودند .

**در جای دیگر فرماید:** ان الله بعث محمداً (ص) نذيراً للعالمین و انتم معشر العرب علی شردین و فی شر دار من یخون بین حجارة خشن و حیات صم تشریون الکدر و تأکلون الجشب و تسفکون دماءکم و تقطعون ارحامکم الاسنام فیکم معصوبة و الانام بکم معصوبة خداوند محمداً برای انذار جهانیان مبعوث فرمود در حالیکه شما گروه عرب پیرو بدترین دینها بودید و در بدترین محل و موقعیتی می زیستید در سرزمینهای سنگلاخ و میان مارهای پر زهری که از هیچ سداغی نمی ترسیدند از آبهای آلوده تیره می آشامیدید و غذاهای خشن می خوردید خون یکدیگر را ریخته و قتلح خورشاد می کردید بتهادر میان شما بخدائی منسوب بود و گناه در میان شما رائج بود

**در جای دیگر فرماید:** ان الله بعث محمداً (ص) و لیس احد من العرب یقرأ کتاباً و لا یدعی بیده فساق الناس حتی یوآهم محلتهم و یلغهم بنجاتهم فاستقامت قناتهم و اطمانت صفاتهم

خداوند محمد (ص) را برسالت مبعوث فرمود در حالیکه هیچیک از عرب کتابی نخوانده و ادعای پیغمبری نداشت . و فقط رسول خدا بود که مردم را بمکانت انسانیت نشانید و بسرحد نجات رسانید نیزه آنان ( کتایه از وضع زندگیشان ) راست گردید و سنگ بزرگ و لرزان موقعیت آنان آرامش یافت .

**زمان بعثت :**

بعثت رسول اکرم بروز دوشنبه (۶) بیست و هفتم (۷) رجب سال چهارم عام الفیل اتفاق افتاد (مطابق سال ۶۱۰ میلادی) .

عام الفیل سالی بود که پادشاه یمن بقصد ارباب اعراب حجاز به مکه لشکر کشید و داناتان آن به اجمال در قرآن یاد شده است (۸) .

مورخان اروپائی معتقدند که عام الفیل لشکر کشی بی بوده است که ابرهه بتحریرک

۶ - شرح مواهب تاریخ یعقوبی . التنبیه و الاشراف مسعودی . یعقوبی باستناد روایتی از حضرت صادق روز جمعه را نیز احتمال داده است و اضافه می کند که برای همین است که خداوند جمعه را عید مسلمانان قرار داد .

۷ - بحار الانوار ب نقل از سفینه البحار

۸ - سوره فیل ، جزء ۳۰

دولت روم و بقصد هجوم بایران از شمال عربستان کرده و از نیمه راه برگشته (۹) و در همین سال بقول معروف (۱۰) ولادت پیغمبر اتفاق افتاده .

بنابر این هنگام اولین نزول وحی ، پیغمبر در سن چهل سالگی بوده است (۱۱) قول به ۳۷ سالگی و ۴۱ سالگی و ۴۳ سالگی هم هست ولی ضعیف است (۱۲) گرچه چهل و یک سالگی با تحقیقی که در سن پیغمبر شده است قابل سازش است . زیرا حسب نوشته مورخ معاصر خضری بک (استاد تاریخ الازهر) سن آن جناب ۴۰ سال و ۶ ماه و ۸ روز بوده که با مسامحه می توان آن حضرت را ۴۱ ساله دانست

استاد خضری و دکتر احمد سلیمی ( دو مورخ معاصر عرب ) به پیروی از ابن اسحق (پیشوای سیره نویسان اسلامی) و ابن کثیر روز نزول وحی را ۱۹ رمضان نوشته اند . مستند اینان ، آیه شریفه قرآنست : ... وما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان (... و نیز سوره مبارکه قدر : انا انزلناه فی لیلۃ القدر) چه اینکه در آیه نخست نزول قرآن ، در یوم الفرقان که روز جنگ بدر است ، تعیین شده است و جماعی است که نبرد بدر ۱۷ رمضان سال دوم هجرت واقع گردید و در آن روز میان حق و باطل راه رفتن و کفر و جدائی آشکار شد .

ولی این آیه صراحتی در نزول اولین سوره که آغاز بعثت است ندارد . زیرا در جای خود ثابت شده که قرآن نجومیاً (۱۳) در دفعات ، و بواسطه مناسباتی بر پیغمبر نازل می شد و از همین مناسبات ، وقوع جنگ بدر است که به پیروزی مسلمین انجامید .

- ۹- تاریخ اسلام دکتر فیاض  
 ۱۰- کلبی مورخ عرب ، واقعه فیل را ۲۳ سال پیش از ولادت پیغمبر میانه سال ۶۱۰ (مورخ دیگر عرب) آنرا چهار سال پیش از ولادت می شمرده (تاریخ دکتر فیاض) . مسعودی ۶۵ روز قبل از تولد پیغمبر در همان سال می داند .  
 ۱۱- التنبیه والاشراف ، مروج الذهب ، تاریخ یعقوبی ، السیره النبویه ابن کثیر ، در محاضرات تاریخ الامم الاسلامیه بحساب دقیق ، سن حضرت را چهار سال و شش ماه و هشت روز دانسته .

۱۲- دو قول اول را آقای دکتر فیاض نقل و تضعیف فرموده اند . و قول سوم را ابن کثیر در السیره النبویه از ابن عباس نقل کرده است .

۱۳- عربها چون از علم حساب اطلاع نداشتند اوقات رابطلوع ستارگان «نجوم» تعیین می کردند بدینگونه که ۲۸ ستاره که از آنها تعبیر بانواع (جمع نوع) می شد و بترتیب خاصی طلوع و غروب داشتند ، میزان تعیین اوقات بشمار می رفت کم کم اصطلاح (نجوماً) معادل اوقات دفعات (خاصه در مال کتابه) استعمال گردید (علم الحدیث ص ۸ تالیف نویسنده) .

جمعی از مفسران آیاتی از قرآن بهمین مناسبت در این روز نازل گردید .  
ابن کثیر مستند اختیار این قول را آیه انا انزلناه فی لیلۃ القدر که صراحت در نزول قرآن در شب قدر (که مسلماً در ماه رمضان است) می داند ولی این آیه نیز قابل توجیه است چه اینکه مفسران مراد از نزول قرآن را در این شب نزول به بیت المعمور یا نزول ثانوی قرآن (که در اواخر عمر پیغمبر هر سال تجدید می شد) دانسته اند .

بعضی نیز خواسته اند بین اقوال ، جمع کنند باینکه وحی پیش از رمضان در خواب بوده و در رمضان در بیداری (۱۴) ولی چنانکه دیدیم مستند اختیار رمضان ، فقط استنباطی از ظاهر آیات قرآن بود که با اصطلاح اجتهادی در مقابل نص مورخین بشمار می رود .  
فقط مستندی که برای این قول «رمضان» مورد نظر است نقلی است که یعقوبی از حضرت صادق (ع) نموده منتهی یعقوبی نام این ناقل را نمی نویسد و گویا در نزدی هم ناشناس بوده است (۱۵) :

### کیفیت نزول وحی :

مورخین نوشته اند که پیغمبر مدتها قبل از نزول وحی از مردم کناره می گرفت و هر چند گاه بفارحراء خلوت می کرد و بتفکر در آفرینش می پرداخت . اینکار که عرب آنرا تحنث و پاک شدن از گناه (۱۶) می نامید: قبلاً توسط نیای پیغمبر ، عبدالمطلب و دیگران انجام می شده است . پیغمبر نیز معمولاً در ماههای رمضان باین کار می پرداخت .

غارحراء در کوه مجاور شهر مکه معروف بجبل ثور در چند کیلومتری خانه آن حضرت و سر راه عرفات واقع است این غار بطرف شمال قرار گرفته بطوریکه وقتی انسان در آن می نشیند یاد از می کشد کعبه را می بیند . سه طرف و سقف غار از سنگ است و کف آن تقریباً

۱۴- الخمیس دیار بکری بنقل دکتر فیاض

۱۵- وبقول کسی که آنرا از جعفر بن محمد روایت کرده است (ترجمه مرحوم آیتی

از تاریخ یعقوبی) .

۱۶- مشهور، تحنث را تعبد « پرستش » معنی کرده اند . ولی ابن کثیر ( درالسیرة النبویه) تحنث را بمعنی اجتناب و پرهیز از گناه می داند ( تحنث : ای اجتناب عن الحنث ای الاثم) مانند تأثم که بمعنی اجتناب از اثم و تهجد بمعنی اجتناب از هجود « شب زنده داری و بیدار خوابی » است که باب تفعل بمعنی اجتناب و خروج از شیء استعمال شده است این معنی را آقای دکتر رامیار از استاد فرزنان نیز نقل کرده اند

سطح می باشد (۱۷) ارتفاع غار با اندازه يك قامت متوسط وفضای آن بقدری است که يك نفر بزحمت می تواند در آن خوابد.

شاید در همین دورانهای تحنث بوده است که پیغمبر خوابهایی که از آن برویای صادق و مبشرات تعبیر می شود ، می دید (۱۸).

بخاری از عایشه نقل می کند : حضرت خوابی نمی دید مگر اینکه مانند سپیدی صبح بظهور می پیوست (۱۹) .

این گونه خوابها ، در روایات جزئی از نبوت تعبیر شده است (۲۰) در یکی از این خللها بعد که حبرئیل به پیامبر آشکار شد و آیات اول سوره (اقرء) را بروی نازل ساخت : بخوان . بخوان بنام خدائی که آفریننده همه چیزهاست خدائی که انسان را ز یکپارچه خون بسته آفرید . بخوان قرآنرا و بدانکه پروردگارت پر تر از هر بخشایشگر است . همان خدائی که انسان را نوشتن بوسیله قلم آموخت . با انسان چیزهایی که نمی دانست بالهام خویش تعلیم کرد .

نور وحی به همراه پیامبر خدا از فراز کوه حراء برای روشن کردن راه کاروان بشریت سرازیر شد برای روشنائی به بشری که در تاریکی اوهام باطل و منجلاب شهوات بصر می برد .

ارتعاش این نور افکار بشریت را که در خواب گران بود چنان بتکان آورد که صورت تمدن علمی امروز هنوز از آن متأثر است .

۱۷- سفرنامه فرهاد میرزا و مرآت الحرمین بمقل از تاریخ قرآن دکتر رامیار

۱۸- ابدی و التاریخ مقدسی . امتاع الاسماع مقریزی . السیره النبویه ابن کثیر .

۱۹- کن (ص) لایری رؤیا الاجائات مثل فلق الصبح

۲۰- در تورات است که : کلام رب با برام در رؤیا فرود آمد در قرآن مجید است انی اری فی المنام انی اذبحک پیغمبر فرمود : رؤیا الانبیاء حق ونحن معاشر الانبیاء تمام اعیننا ولاتنم قلوبنا :

ممکن است مراد از جزء نبوت آن باشد که وحی را اقسامی است : ۱- القاء بقلب بدون واسطه در بیداری - ارسال رسول ۳- اسماع کلام مباشرة ۴- مخاطبه در خواب . بنا بر این مخاطبه در خواب یا رؤیا از اقسام نبوت «اخیر عن الله» باشد . با احتمال دیگری مراد صرف اثبات جنبه واقعت خواب انبیاء است چنانکه وحی نیز دارای همین واقعت است . اما تعبیر بعض روایات که جزئی از هفتاد جزء نبوت شمرده شده است ، ذکر عدد هفتاد ، بمنوان تکثیر طرق ارتباط با عالم معنی و خارج است



امواج همین نور است که شرق و غرب جهان را بجنبش آورد. جنبشی که دل ذره را شگاف و بندق دریا و قرا از آسمان ره زردید  
 کانون این نور، همان غار حراست که منشور بزرگ تعلیم و تربیت جهان را فرا  
 راه بشریت ساخت.

آیات نجات سوره آفرین دستور نهضت اصلاحی جهان بود: نهضت دانش و قلم نهضتی  
 که عرب درس نخوانده بی واد را پس از دوران کوتاهی رهبر عالم شرق و غرب عالم  
 ساخت. و اروپای قرون وسطی را که طی جنگهای صلیبی به بیرد اسلامیان آمده بودند با  
 قرآندورهائی از دانش (که از نهضت مبعوث سه چشمه میگذشت) پشیر و قافله تمدن کنونی  
 قرار داد.

### ایمان :

محمد (ص) با دار سنگین رسالت از سفر تجرد در غار حراء برگشت و بیدرنگ بجهان  
 همسر عزیزش خدیجه رفت و مأموریت الهی خوش رویش را فاش ساخت. خدیجه بدون  
 اندکبی تأملی را تصدیق کرد شاید هم خدیجه که از دربار بر و حیات محمد آشنائی داشت  
 و دیگر کسی در آنسوی دین، انتظار چنین مزدهای را داشت. عجیب تر آنکه پیغمبر نیز از  
 ایمان همسرش شگفتی نکرد.

رسالت یعنی (ع) که در آن زمان نجات تکامل پیغمبر بود و نیز نبرد (آزاد کرده  
 ره احسان) و دعوی دیگر عرضه شد و آیات نیز در آن رسالت محمد را پدید یافتند.

همیشه بین خبری که درستی پیغمبر را در دعوی رسالت می رساند و مورد اتفاق همگان  
 است، اینست که اولین گروهندگان باسلام، رفقای نزدیک و افراد خانواده وی بودند و  
 آنها کسانی هستند که از نزدیک تمام خصوصیات زندگی پیغمبر آشنا بودند. ایمان در  
 وجود محمد هر نمکی و پاکتی سراغ نداشتند و او را از سحر و تیرنگ بری می دانستند

از آن بهتر اینکه محمد(ص) از همان روز نخست تا آخرین لحظات زندگی، با شور  
 و جذبه ای فوق العاده که از ایمانی راسخ تراوش می کرد، نموت خویش را بهمگان گوشزد  
 میفرمود و حتی در موضعیت های حساسی که بین مرگ و زندگی وی حائلی وجود داشت تزلزل  
 در وی پدید نیاید.

دوران ستمبار سالهای آخر مکه و زندان شعب ابوطالب، نمونه ای از این رسوخ  
 ایمانست.

از این موقعیت‌های حساس مراجعت وی از سفر تأثر آور طائف بود که در دعوت خویش با استهزاء لجاره مواجه گردید و بابتدنی آزرده از سنک ستم بی نتیجه بازگشت، ولی بازهم برسالت خویش سخت اعتقاد داشت .

نیز صحنه شکست بدر و حنین و تنها ماندن وی در محاصره دشمن است که بنو ذئبه تمام مورخین حتی لحظه‌ای تزلزل در وی مشاهده نگردید چه رسد به فرار .

بلاش استاد دانشگاه سوربن و مترجم قرآن ، آنجا که خطبه رسول اکرم را در حجة الوداع باز می‌کند، ندای آنحضرت را که می‌فرماید : خدایا آیا ما موریتم را درست انجام دادم و آا رسالتت را رسانیدم، نقل می‌کند و جواب مثبت دسته جمعی ده‌ها هزار مسلمان مجتمع در آن صحنه را شرح می‌دهد و چنین اضافه می‌کند :

مسلمان در زمان ما نیز کسی پیدا نمی‌شود با هر عقیده و مذهبی که داشته باشد با جمع حاضرین همصدا نشد، و نگوید : آری محمد ما موریت را بهترین و جهی انجام دادی (۲۱) .

شکفت‌تر اینکه نزدیکترین کسانی که با وی همسفر زندگی بودند حتی برای لحظه‌ای در نشیب و فراز صحنه همجواری وی بلکه در آخرین دم واپسین آنهم در شکنج بدسگالان بخواب همگامی با محمد در ایمان بوی تزلزل نشان ندادند .

داستان پدر و مادر یکی از همین مناظر دلخراش و در عین حال اعجاب آور است. این تنها نیست سایر یاران محمد بیای خویش بسوی مرگ می‌شتافتند و باروئی گشاده از باران تیروابن شمشیر استقبال می‌کردند و بستر خاک نبردگاه را چون حجله نوعرسان بخون خویش آذین می‌بستند .

اگر آنحضرت واصحابش چنین یقین جزمی و حتمی نداشتند مسلماً تن باین مشقات نمی‌دادند . و اگر احیاناً برای پیشرفت مرام حزبی خویش چنین می‌بودند مسلماً از خلال صفحات زندگی آنان این مطلب ظهور می‌یافت .

وات (استاد دانشگاه ادیمبورک) می‌گوید : یکی از تهمت‌هایی که معمولاً بمحمد می‌زنند اینست که او کاذب و حیل‌گر بوده است ( نفی صداقت محمد (ص) مسئله توسعه دین اسلام را غیر قابل درک و غیر قابل توجیه می‌سازد (۲۲) .

## دلیل نبوت :

چه چیزی می تواند نبوت پیغمبری را ثابت کند ؟ معجزه ؟

آری معجزه ، کاری که بشر از آوردن مانند آن عاجز است ، هنگامی که مقرون با دعای نبوت باشد برای اثبات رسالت شخص ، دلیلی همه کس فهم است از حضرت محمد معجزاتی نقل شده است که ما بر سر اثبات آن ها نیستیم

معجزات رسول اکرم مانند معجزاتی که از پیغمبران سلف نقل شده است ، اکنون منقولاتی روایی است که ممکن است کسی در صحت نقل آن خدشه کند ولی پیغمبر ما معجزه باقیه ای بنام قرآن آورد که هم اکنون نیز مدرک صحت ادعای اوست .

سخن در پیرامون اعجاز قرآن مجالی فراختر می خواهد و خوشبختانه در این باره تالیفاتی به تازی و پارسی نوشته شده است که شاید کتاب (المعجزه الحاده) شادروان علامه شیرستانی «سیده الیه الدین» ، در عین اختصار ، جامعترین مقال در این مبحث باشد . و انتشار ترجمه فارسی آن ما را از تکرار بحث بی نیاز می سازد .

ولی بعقیده من زندگی پرافتخار پیغمبر و سلوک وی که همگان نقل کرده اند و باصطلاح بقواتر پیوسته روشن ترین دلیل بر انگیختگی وی از جانب خداست .

بقول عقاد (نویسنده بزرگ معاصر) اگر بخواهیم علامات رسالت را با تعریف مختصری بیان کنیم می گوئیم : رسول چنان مردی است که بر نفس خویش تسلط کامل داشته باشد و همه اعمال خود را بوسیله نیروهای نهانی نیکو سازد زیرا وظیفه فرستاده آنست که برای اصلاح زندگی مردم مقرراتی وضع کند و بشر را با مودت و مهربانی و از پلیدی ها و ورستی ها آزرده سازد و مردم را موظف کند که هیچیک از حصار واجبات و فرائض پای بیرون نگذارند و بناچار چنین شخصیتی باید وسیله آن نیروی نهانی و ضمیر راهنما ، از رادع و مصلح خارجی بی نیاز باشد این سحیه عالی و سلیقه شامل ، در نهاد پاک محمد (ص) سرشته بود و در همه گفتار و کردارش تجلی داشت .

این علامتی است رسالت را که هیچ علامت دیگر را سنگوتر و سزاوارتر بقبول از

تاریخ ۲۳ .

هم اومی نویسد : برای محمد (ص) با هر مقیاس از مقیاسهای بشری سنجیده شود ، کمتر از رتبهٔ محبت و تبخیر داده نمی‌شود بلکه همیشه اوست که رتبهٔ محبت را تعیین می‌کند و هر کس خواه مسلمان و غیر مسلمان و خواه آبا که بدینی از ادیان آسمانی معتقد نیستند این مرتبه و مقام را برای او می‌شناسند بشر بهر فضیلتی که قائل باشد و با هر اصلی که بتواند فضائل و بزرگواریها را اندازه بگیرد برتر و عالی تر از مناقب محمد نمی‌تواند یافت و هیچکس از او بزرگوارتر نیست که با امکان همهٔ تنعمات جهان بخاطر رفاه تودهٔ مردم از هر خوشی و لذت مادی برکنار مانده باشد .

یکی از خطبای عراق کنایی تحت عنوان ( محمد و القرآن ) نوشته است که طی آن گفته‌های دانشمندان غرب ( که نوعاً مسیحی مذهب اند ) در بارهٔ رسول اکرم و موقعیت قرآن جمع آوری شده است .

بخش مربوط به حضرت محمد (ص بنا - محمد در نظر دیگران) ترجمه آری بفراسی شده است .

در این کتاب می‌توان چهرهٔ پیشه‌ای اسلام را خیلی برتر و بالاتر از آنچه ما تصدیق میکنیم مشاهده کرد چه آنکه عالیاً در کتابهای فضائل که بقلم مسلمین نوشته شده است ، بمرجزات و جنبه‌های خارق‌العاده آن حضرت عطف توجه شده است ولی در گفتار این بیگانگان فضائلی که شایستهٔ یک چهرهٔ ملامت‌نازک ، باطل تاریخی ، یک معلم انقلاب اخلاقی و الاخره یک هادی و راهنما است یاد آوری شده است .

و انگهی بمضمون (الفضل - اشهد بالاعداء) سخن دوست از زبان غیر ، بحقیقت نزدیکتر است

اینک با توجه بآنچه دیگران دربارهٔ این عنصر فضیلت و مرکز دایرهٔ دگرمت گفته‌اند غیر از مقام نبوت ، عنوانی شایستهٔ مقام والای او هست ؟

### درخت را از میوه اش می‌توان شناخت :

مطلب دیگری که ختام مقال ماست ، توجه بانار نهضت محمدی است که همگان را بشگفت آورده چه دوست و دشمن بتوسعهٔ اسلام و در عین حال بعدالت اجتماعی و فردی که تابشی از نفوذ معنوی دین در نهاد مسلمین صدر اسلام است ، اعتراف کرده‌اند .  
مسلمانان عصر رسالت طی ربع قرن تعلیمات عالیة اسلام را نه تنها در تمام شبه جزیرهٔ

عربستان (که در هیچ تاریخ، سابقه وحدت مذهبی و حکومتی نداشته است) گسترش دادند بلکه کشورهای تابع امپراطوری روم و دولت شاهنشاهی ایران و همچنین بخش مهمی از قاره آفریقا و آسیا را در تحت يك مذهب و يك حکومت در آوردند آنها مذهب توحید و تجلی اخلاق فاضله و حکومت عدل و احسان و مهمتر، قابلیت رشد و ترقی این حکومت .

تنها دوران کوتاه زمامداری عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱ هجری) شاهد مثال را کافی است . چه اینکه حتی استناداران کشورهای تابعه از استقبال مردم غیر مسلمان از اسلام بشکست آمده و از کاعش بیت المال در نتیجه ورود پیروان مذاهب باسلام بخلیفه شکایت کردند و این خود حاکی از تأثیر و نفوذ معنوی اسلام در دلها و قابلیت قوانین اسلام برای اداره اجتماع عادلانه رضایت بخش در دایره وسیع زمامداری است .

این میوه شیرین، ثمر درخت برومندی است که باغبان رسالت در روز مبعث غرس فرمود .

کاظم مدیر شانه چپی



غار حراء